

## مُثلث گناه

دکتور محمد فرید یونس

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله سيدنا محمد بن عبدالله و على آله و صحبه و من اتبع هدا و بعد در قرن نژده بود که افغانستان منحیت منطقه حایل موقعیت راه بردی (استراتیژیک) به خود گرفت. این موقعیت استراتیژیک نه تنها که افغانستان را از گزند تهاجمات گوناگون در امان نماند بلکه قوه های اجتماعی و سیاسی برای بقا و بدست آوردن قدرت سیاسی باعث به وجود آوردن یک پدیده فوق العاده مخرب گردیدند. این قوه ها را مذهبیون، قوم گرایان با حمایه اجنبیان تشکیل دادند که من این را به نام مثلث گناه یاد می کنم. وقتی به تاریخ افغانستان به دقت نظر بیفکنید، این سه قوه همیشه در تشکل سیاسی کشور نقش بارز داشته است. بسیار دور نه می رویم؛ بیاد بیاوریم زمانیکه قوه های مذهبی دست خود را با قوم و انگلیس یکجا کرد و اعلیحضرت امان الله را از پای در آورد و مذهبیون برای منافع خود و قوم برای منافع خود و بیگانه برای منافع خود نادر خان را به قدرت رساندند. بیاد بیاوریم زمانیکه قوه های سیاسی دست خود را با دست روس بستند و باعث سیاه ترین فاجعه تاریخی به نام هفت ثور شدند. بیاد بیاوریم که قومی و مذهبی و اجنبی (امریکا) طالبان را به قدرت رساندند.

مذهبیون برای پیشرفت معنوی و فکری مردم هرگز کار نکرده است بلکه از مذهب سوءاستفاده صورت گرفته و نه تنها که دست خود را با قوم یکجا کرده تا منافع قوم و خود را حفظ کند، منافع اجنبی را هم مصلحت دانسته است زیرا اجنبی همیشه در افغانستان از طریق مذهبیون منافع خود را حفظ کرده و مذهبیون از طریق قوم. با اینکه اسلام آمد تا مردم متمدن شوند و از حالت قومی و قبایلی خارج شوند و کشور های اسلامی منجمله افغانستان و کشورهای اسلامی هرگز از حالت قومی و قبایلی خارج ساخته نشد زیرا درینصورت منافع مذهبیون از بین می رفت. یک ملت متمدن زیر بار خرافات و عقاید پوچ نه می رود. حالت قومی و قبایلی که وهابیان آنرا به نام سنت اسلام زیاد تر دامن زدند، در کشورهای اسلامی یک روحیه قوی قومی اجتماعی را به بار آورد. این روحیه اجتماعی مربوط یک قوم نیست، مربوط همه اقوام است، عرب و غیر عرب. برای اینکه مذهبیون منافع خود را خوبتر حفظ کنند، اسلام را زیاد تر از حالت مدنی کشیدند و قوم گرایی را قسمیکه در گذشته گفتیم مانند نقل کمبار روپوش اسلامی زدند. پدیده ها و انگاشت های قومی را مانند غیرت و ناموس رنگ و بوی اسلامی دادند. طور مثال زن را ناموس و غیرت مرد گفتند در حالیکه زن حق دارد طلاق بخواهد و در طلاق از نگاه شرعی دلیل به کار نیست. یعنی یک زن بدون اینکه دلیل ارائه کند میتواند تقاضای طلاق کند که این را خلع گویند و بعد از سپری نمودن عده، با مرد دیگر می تواند نکاح کند. اگر شما از یک مرد قومی سؤال کنید که اسم همسرش چیست، شاخ میکشد زیرا از نگاه قومی زن غیرت اوست و کسی حق ندارد نامش را بداند در حالیکه هر انسان یک اسم دارد و در اسلام بعد از نکاح شوهر حق ندارد تا نام زن و یا نام خانوادگی زن را تغییر دهد زیرا در اسلام زن ملکیت مرد نیست، تنها همسرش است چنانچه مرد همسر زن است. و از نگاه مدنی حقوق مساوی دارند. از همین لحاظ قرآن مجید میگوید زن لباس مرد است و مرد لباس زن است. قرآن کریم نه گفته است که تنها مردان لباس زنان هستند. آنجا که قرآن فرموده که مردان برای زنان «قوامون» است، سرپرست معنی نه میدهد که متأسفانه غلط تفسیر شده است بلکه مقصد از قوامون آن است که مردان زنان را حمایه و پشتیبانی کند تا زنان به معراج کمال برسند، یعنی زنان را به قوام برسانند. ازین اشتباهات در تفسیر و ترجمه زبان عربی زیاد است که همه را به نفع مردان تفسیر کردند نه به نفع امت اسلامی که متشکل از زن و مرد است.

مثلث گناه نه تنها کشور را از نگاه سیاسی به نابودی کشانیده است زیرا این سه پدیده برای منافع خود دست به دست هم داده و نه تنها استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را مصلحه کرده در عین زمان از نگاه اجتماعی کشور را در خندق متعفن و بویناک تعصب و تنگ نظری و تبعیض غرق کرده است. تعصب سنی در مقابل شیعه که مخصوصاً در افغانستان قوم هزاره بدترین ضربه را خورد، مصلحه استقلال افغانستان به انگلیس ها، روس ها، و امروز امریکائی ها توسط اشرف غنی و دارودسته اش از فرمول مثلث گناه نشئت کرده است. استخاره جناب صبغت الله مجددی از فرمول مثلث گناه نشئت کرد زیرا باز هم مذهبیون مذهب را به بازی میگیرد.

و دست خود را با قوم (اشرف غنی) بسته می‌کند تا منافع آمریکا در منطقه حفظ گردد زیرا آقای اشرف غنی از گماشتگان ایالات متحده آمریکا در کنار خلیل زاد و احدی می‌باشد که بعد از بین رفتن طالبان عرض اندام کردند و قبل از آن کسی ایشان را نه می‌شناخت. چون اکثریت مردم را همین طبقه مذهبیون کور نگهداشتند تا همیشه سرنوشت مردم را برای حفظ منافع خود و قوم و اجنبی به بازی گیرند و مردم از اصل شرعی استخاره آگاهی ندارند، فوراً قبول میکنند. استخاره از روش پیشوای اسلام (ص) است که به امت خود ارشاد فرموده است. لطفاً به کتاب اخیر این نویسنده «فرهنگ اسلامی: یک مطالعه بشرشناسی فرهنگی»، متن انگلیسی صفحات 69 و 70 مراجعه کنید. همچنان حدیث شماره 391 باب 50 کتاب الدعوات صحیح بخاری دیده شود. استخاره برای خود شخص است که می‌خواهد بداند که یک عمل را که انجام می‌دهد به خیر او است و یا خیر. کسی نه می‌تواند برای دیگران استخاره کند. اگر برای دیگران چیزی گوید آن فال بینی می‌شود که در اسلام جائز نیست. دوم اینکه الهام که شخص در اثر استخاره می‌گیرد یک موضوع شخصی خودش است نه ملکیت عامه بنابراین شخص باید آنرا نزد خودش حفظ داشته باشد نه اینکه با دیگران شریک شود. همچنان در تاریخ اسلام سراغ نداریم که کسی برای کاندید مورد نظرش در زمان خلفای راشدین استخاره کرده باشد. خلیفه اسلام به رأی مردم انتخاب شد نه اینکه یکی از سران قبیله قریش برای او استخاره کرده باشد. قرآن پاک می‌فرماید: تفسیر- هرگاه از اکثریت مردم نا بخرد، پیروی کنی، ترا از راه خدا گمراه خواهند کرد، چون آن‌ها جز از گمان و حدس پیروی نمیکنند (سوره انعام آیه 116). قرآن در سوره اسراء آیه 36 می‌گوید: تفسیر- «از چیزی که در باره آن، علم و یقین نداری، پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و دل، همه این‌ها مسئولند». پیشوای بزرگوار اسلام فرموده است «با پدید آمدن اسلام، تمام عقائد خرافی و تفوق طلبی های غلط، نابود و زیر پای من قرار گرفته است» (اسلام و حقوق بشر صفحه 248 اثر زین العابدین قربانی). استخاره سیاسی از ابتکارات جناب صیغت الله مجددی در تاریخ افغانستان است که از فرمول مثلث گناه مشتق شده است

در مسئله انتخابات افغانستان یک موضوع دیگر هم باید یاد آوری شود و آن موقف گیری آقای سیاف است. اگر آقای سیاف بی طرف باقی ماند نشان دهنده این است که ساخت و بافت شرعی را دانسته است. اگر با آقای عبدالله یکجا شود ثابت میکند که در فرمول مثلث گناه شامل نیست و اما اگر با آقای اشرف غنی دست را یکی کند در مثلث گناه شامل است

من امید می‌کنم که جوانان افغانستان که امروز اکثریت را تشکیل می‌دهند حقیقت را دانسته باشند و طلسم مثلث گناه را در افغانستان با رأی خود برای ابد بشکنند. در اسلام رأی مردم است که سرنوشت سیاسی را تعیین میکند نه استخاره. اسلام دین کاتولیک نیست که روحانیون شان برای شان دعا میکند و برای شان طلب مغفرت میکند و یا چیزی را برای مردم از خدا طلب میکند. در اسلام روحانیون وجود ندارد. در اسلام ما همه در پیشگاه خداوند مسئول اعمال خود هستیم و خود برای خود دعا می‌کنیم. من ایمان دارم که حیات مثلث گناه به شماره افتیده است. و من الله التوفیق